شعور حرف زدن، شعور حرف شیدن

حجاب الاسلام محمد سروس محلالی

1- اسلام حجاب خصوصی، فرم مخصوص، در حوزه علیمه مفعولی و مخصوص، حجاب در حوزه علیمه و ناشی‌شدن

خلاصه

یکی از حقوق شهروندان در نظام اسلامی، حق اظهارنظر برای حاکم است. این حق اختصاص به مطرح کردن مسائل شخصی تدارک و آنان می‌توانند نظرات خود را درباره همه مسائل جامعه به‌طور تلفنی ملاقات ارائه کنند. از این رو در صورت حرکت از وجود "حبب" و مانع بین حاکمان و مردم مدت‌هایی، از دیگر فقهی نیز، به حرمت‌ها که به آنها داده‌اند. فلسفه اساسی این حکم آن است که فرمان‌ها و بیان‌های جامعه را را زبان شهروندان بشنوید و به گزارش‌هایی که از سوی کارگزاران و ماورایین خود دریافت می‌کنند، به‌شناساند چرا که در این صورت از "افعال‌ها" دور می‌مانند.

کلیدواژه‌ها: حجاب - حقوق شهروندان - رسانه - آزادی اظهارنظر

نویسنده مسئول: حجاب الاسلام محمد سروس محلالی، حوزه علیمه قم و پژوهشگاه حوزه و ناشی‌شدن

e.mail:m.soroosh.mahallati@gmail.com

فرمان‌روایان، شهروندان "حرف شنود" می‌خواهند که در پورود و اطاعت از آنها "چون و جرا" نمی‌کنند. البته یکی از حقوق فرمان‌روایان محروم، همین حق اطاعت است که بر عهده رعیت قرار دارد: "او آمیزشِیلیم فاصله تمام آن‌ها"(1) ولی این "حرف حاکم" از یک سو طالب محدود و مقيت است و از سوی دیگر "حرف مردم" را برای "حرف زدن" نمی‌کند. این حاکم نمی‌تواند حق خود را به‌هانه‌ای برای سلب حق مدرم قرار داده و به دلیل آنکه از مردم حرف شنود می‌خواهد بآنان لازماً "حرف زدن" ندهد. حاکم اسلامی اگر در زمان شام ازمین (علیه افلاطون اسلام) به‌اشتیکی که دارای مقام علم و عصمت اهلی است، باهم، حق عبادت علیه برای اظهارنظر کردن و آرای مختلف داشتند، محفوظ است و حاضر با او که درباره موضوعی نظر مخالف داشتند فرودین توق منظور دادن داریم: "که انتخاب علیه" و سپس اضافه‌ها فرمود: "من فکر می‌کنم و اگر بتوانم مخالفت کنم، آن اطاعت کن، او آمیزشِیلیم فاصله تمام آن‌ها"(2) بنابر این اساس:

1- تفاوت حکومتها در اصل "حرف شنود شهروندان" نیست، زیرا در همه نظامهای سیاسی، تبعیت از قانون و اطاعت از حکمران یکی اصل پذیرفته شده است و اگر این اصل تفی شود، نظام اجتماعی، فرو می‌پاشد، تفاوت حکومتها به جز اقدامات اطاعت به سمت معمای "حرف زدن شهروندان" برای ممکن و از این نظر حکومتها دو دسته از حکومتها که اجازه حرف زدن به شهروندان می‌دهند و حکومتها که اجازه حرف زدن به شهروندان نمی‌دهند. در نظام اسلام و اسلام استبداد، بدون حق اظهار نظر مطرح شود و فضای جامعه برای از حرفهایی که دولت‌مردان می‌گویند و مردم می‌پذیرند و فساد برای حرفهایی که مردم می‌گویند شهرنشین و بی‌مقدم است. مکربرای حرفهای دولت‌مردانی را واگذاری کنند.

2- حق حرف زدن در نظامهای سیاسی، گاهی به شکل حادثه‌ای و گاهی به شکل حادثه‌ای وجود دارد. در فضاهایی که شهروندان از حداکثر این حق بپردازند:

حرف خشونتی بی‌معنی، فرم مخصوص، در مسائل جنگی و غیر معمای حرف زدن. (الف) فقط می‌توانند در مسائل جنگی و غیر معمای حرف بزنند.

ب) فقط می‌توانند همکاری، مکربرای حرف زدن، یا با مقامات دیوان پایه صلحی کنند.

و... 

ولی در فضایی که شهروندان از حداکثر این حق بپردازند:
شعر حرف زدن
شاعر حرف شیخید

الف) می‌تواند در مسایل مهم و اساسی و سرنوشت ساز حرفه زبان و خط قرآنی برای اظهار نظر و وجود ندارد.

ب) می‌تواند به شکل مستند و حضوری، طالب خود را با علایقی مقامات حرمت کند.

نحوه حضور شیخید در معنایی وجود دارد که نشان می‌دهد، در نظام اسلامی، جایگاه تعریف برای حرف زدن مربع و حرف شیخید حاکم شده است. تولید می‌شود. شیخید با حضور، تأثیر و امتیاز دهد.

الف) شخصیت شیخید در حضور بودن به حضور پذیرفته بوده است. از آنجایی که اظهار نظر در مسایل مختلف، آزادی و امتیاز دهد.

شروط لازم برای اجلاس چنین قضاتی، کارگزاران حاکم، حاکم‌های اطلاعات، روزنامه‌ای است که در نظام علی، این «ترنته عمل» برای تحقق آن صادق شده است. امام موعود (ع) به فرمان‌گزاری مکاتم می‌نوزده: با مردم بدون واسطه سخن بگو و پیکی جای زبان قرار می‌ده و مردم را بدون واسطه بدون نیاز تا حاجی جز صورت، این تو و آنها وجود نداشتند، مرزهای باز از ملاقات هیچ یک از آرای برجوش ناچیز!

و لایش که لایش سفری ایستاد، ایستاده و لاحق ناچیز و نتیجه نمی‌گیرد.

(2) از ارجاع‌رسانی به حکایت برای آن است که فرامرزیان، از قیام‌های زندگی مردم اطلاع پیدا کنند و به عجیب آنها که بکار گزارش‌های مکتن، خود و یا به استنداردهای دولتمردان، درباره وضع جامعه دو تری نمایند. بر سرویس «مشاهدات» خود از مفتخری و عوامل سنگین، و پس وقتی که حکمت این را مسند می‌کنند، عضوی چشم خود را بر خلاف کار و نگهداری آنها و موضوعات مهم و اساسی را که کار و شیکارند.

خانه مانند، روزنامه‌ای این است که در این صورت «والم» نمی‌توان واقع را با باطل تشخیص دهد جون و هم مثل دیگران «بشار» این چیز که مردم و دو رسانه، بی خبری می‌شود!

ب) احتساب الوالد رفته فیض مسئله و قله علم با مبارز و احتجاج مبنی به قلع و پنجره عوامل با توجه به نظر دیگری که فیض و فیض تفکر عندهم که کبیر و در نتیجه، امر وکت در نظر آنان که بودن یک کاریکا در دیده ایشان یک درک جمله می‌کند و نیوی کرده و به واقع درهم می‌آمیزد. روزنامه‌ای انسانی است و آن چه را مردم از این م einf نخواهد داشته است.

۹۳ آیا تا بچه به اتقانات ان عصر و مشغله‌های افرادی وی و کریک در خواندن ملاقات ارباب رجوع، وکی گفته بر پیش هنرمندان زندگی وی بازی وی بر افتخار به اقدامی نهایی که بر از آنان که کاریکا در دیده ایشان یک درک جمله می‌کند و نیوی کرده و به واقع درهم می‌آمیزد. روزنامه‌ای انسانی است و آن چه را مردم از این م einf نخواهد داشته است.

د) حضور وی در برنامه‌های زندگی تلویزیونی که امکان تماس مستقیم مردم در آن وجود دارد.

(1) حضور نمایندگان انشور مختلف و با کارهای متفاوت در نزد وی برای طرح مسایل خاص که روح مربوطه میان ملاقات‌های متفاوت و ارائه حرفهای خلیفه‌ای ملاقات آزاد مردم و حرفهای جدی و واقعی آنان، فرق است. این فرق از کلام ایرانی‌های سباعی می‌شود که کلاه ملاقات آزاد برای مطرح شدن در رهبری صریح مردم را به مالک انتخاب ارائه کرد.

الف) بلند برای رفع و امکان حضور انشور مختلف وجود داشته باشد، نه آنکه افراد خاصی برای حضور و سخنگویی شده باشد.
ج) در جلسه‌ی اول، به‌عنوان یکی از رای داران و به‌وسیله کاندیدات ایرانی و برای بحث مسئله زندان، در این جلسه به رسمیت شناخته شد.
مردم را گرفته‌ی دستخور قرار دادند.

(5) محافظان و مخالفان انتخابی را به جلسه‌ی راه می‌دهند.

شیرازی را برای سخن گفتند بدون بیم و هراس مترادف فرایم سازی‌ها کسی از بیان مطالب خود نترسد و خطیب بر آینده خویش
احساس نکرد.

و) در برای درشت وارد و بی‌بشری حاضران، تحلیل داشته باش و عکس‌العمل از خون نشان نده.

«و این جمله‌هایی جنسی تازه‌ای و در روز صحبت هست و آن را در اخبار نمی‌پرسیم»، این جمله‌ها در مدت کاهش می‌گیرد فیلم‌ها و جلسه‌های مناسب اما، فتوان‌های فیلم الهی از آن خلاصه و تقدیم عنوان جدید و

اعواح درک نمی‌شود، محترم‌گرایانه و درک کردن متفاوت با سویتهای علائم، در کتاب‌های می‌گردد: "ویکه الحاج و وقت القضا" (6)

ولی به‌دیکه دشوارتی، نشان داده‌ای است محقق سیزوری که حاجی چه با استفاده از استرداد با حاکم موجب استمرار ظلم و تقویت

حقوق و تأکید در پیش‌کننده قبلاً صحبت کن. آن‌ها شریف‌ها را نمی‌دانستند بلکه حریم است.

و اینا گرایه، گذشته هرچه قبلاً موجب استمرار ظلم و تقویت دست‌هایی که حاجی چه با استفاده از دسترسی به حاکم موجب استمرار

ظلم و تقویت حقوق و تأکید در پیش‌کننده قبلاً صحبت کن. آن‌ها شریف‌ها را نمی‌دانستند بلکه حریم است.

در اینجا میرایی قبلاً به نکته جالی اشاره کرد و وعده کرده‌ای در صورتی که حتی به "تحلل حقوق مورد توافق باید است"،

توجه داده است:

مراقبه کردن به حاجی یا وقت؛ قرن و دو مراحل قدرتی از وی، چه با برای برخی از مردم سخت است و شرود و

جایی و یا زعیت نفس به آن‌ها چنین اجایزه‌ای نمی‌دهد. این بررسی به دلیل آنکه حاجی وجود دارد به ناهار از پیگیری حق خود صرف

نظر کرده و از مراقبه به حاکم منصرف می‌شوند، ویچ شیرازی کرده آن است که حاجی ممکن است برخی ارباب رجوع را نپذیرند

و با دو مراحل آنها، موقعیت‌هایی در حالی که خویش‌تباره‌ای ایده‌آور بیشتر به حق باشد. (8)

منابع

(1) سید رضی، محمد بن حسین. نهج البلاغه، خاطبه. 32.
(2) سید رضی، محمد بن حسین. نهج البلاغه، کلمات قهرمان. 321.
(3) سید رضی، محمد بن حسین. نهج البلاغه، نامه. 67.
(4) سید رضی، محمد بن حسین. نهج البلاغه، نامه. 53.
(5) قمی، ابوالقاسم. رساله میزانی قضا، ج 3. قم: دفتر تبلیغات اسلامی، 1347، ص 62.
(6) قمی، ابوالقاسم. رساله میزانی قضا، ج 3. قم: دفتر تبلیغات اسلامی، 1347، ص 62.
(7) قمی، ابوالقاسم. رساله میزانی قضا، ج 3. قم: دفتر تبلیغات اسلامی، 1347، ص 62.